

در هفتمین روز سوگ شاعر میهن پرست ایران، استاد تورج نگهبان

مرد هزار ترانه ی دیار کارون



اشک در چشمان و بغض در گلوست مرگ او را از کجا باور کنم؟

صحبت از پژمردن یک برگ نیست وای جنگل را بیابان می کند

هفت روز از رفتن مردی میهن پرست می گذرد. بزرگ ترین صفت استاد نگهبان عشق به مردم و ایران بود. میهن پرست صفتی است که به هر کسی نمی توان داد اما براستی برای استاد تورج نگهبان برانده است. هر گاه چهره ای میهن پرست و عاشق ایران از میان ما رفته و خرقه تهی میکند هزار افسوس بدرقه راهش خواهد بود و در این میان تلخ ترین بخش حادثه، دوری او از خاک ایران است. براستی غم تنگیز ترین مورد برای من این است که چرا این بزرگان دور از خانه و کاشانه خود راهی دیار همیشگی می گردند و ما در این سو حسرت بودن بر مزار آنان را داشته باشیم. آوارگی میلیون ها نفر ایران و عاشق ایران در سراسر دنیا غمی است بس بزرگ؛ ما در این سو غم دوری آنان می خوریم، خود در آن سو چه می کشند... غم غربت مرگ تدریجی است.

تورج نگهبان در روز هفتم اردیبهشت ۱۳۱۱ در شهر اهواز به دنیا آمد. نگهبان کار ترانه سرایی را از نخستین سال های دبیرستان و در سال ۱۳۲۸ با همکاری همایون خرم، امین الله رشدی و مجید وفادار آغاز کرد و نخستین ترانه هایش به ترتیب با صدای محمود کریمی، امین الله رشدی، منوچهر همایون پور و داریوش رفیعی از رادیو پخش شد. علاوه بر این نخستین ترانه های مرضیه، خواننده مطرح موسیقی ایرانی با آهنگ های مجید وفادار و همایون خرم با کلام تورج نگهبان همراه بوده است. برای خواندن زندگی نامه تورج نگهبان از تارنمای شخصی او روی [پاینده ایران](#) کلیک کنید. این شاعر، نویسنده و ترانه سرای بزرگ ایران در سن هفتاد و شش سالگی، بامداد روز چهارشنبه ۳۰ مرداد ماه در شهر لس آنجلس آمریکا برای همیشه از میان ما رفت هرچند ترانه هایش در میان مردم جاریست. او نمرده است هرگز نخواهد مرد.

... تورج عاشق ایران و ایرانی بود (عکس آرامگاه کوروش بزرگ در ابتدای تارنمای شخصی او در بالای نوشتار آمده است) و خود شرح عاشقی اش را چنین می گوید:

در روح و جان من می مانی ای وطن
به زیر پا فتد آن دلی، که بهر تو نلرزد

شرح این عاشقی ، ننشیند در سخن
که بهر عشق والای تو ، همه جهان نیرزد

ای ایران ایران دور از دامان پاکت دست دگران ، بد گهران
ای عشق سوزان ، ای شیرین ترین رویای من تو بمان ، در دل و جان
ای ایران ایران ، گلزار سبزت دور از تاراج خزان ، جور زمان
ای مهر رخشان ، ای روشنگر دنیای من به جهان ، تو بمان

سبزی سر چمن ، سرخی خون من ، سپیدی طلوع سحر ، به پرچمت نشسته
شرح این عاشقی ، ننشیند در سخن
بمان که تا ابد هستیم ، به هستی تو بسته

ای ایران ایران دور از دامان پاکت دست دگران ، بد گهران
ای عشق سوزان ، ای شیرین ترین رویای من تو بمان ، در دل و جان
ای ایران ایران ، گلزار سبزت دور از تاراج خزان ، جور زمان
ای مهر رخشان ، ای روشنگر دنیای من به جهان ، تو بمان (1)

در هنگامه نزدیک شدن به روز واقعه (22 بهمن 57) از آن دسته شاعران و ترانه سرایان بود که باد انقلاب او را با خود نبرد و با سرودن ترانه هایی به مردم هشدار داد که این چنین نکنند اما گوش هایی انقلابیون جز ندای رهبرشان خمینی بت شکن چیزی نمی شنید و دریغا که آنچه باید می شد! شد. از اینکه در آن بازه زمانی انقلاب شوم 57 رسانه ای برای بازتاب نوشته ها و ترانه ها آنان نبود گله می کرد و هنگامی که بهارلو مجری سدای آمریکا از تورج نگهبان پرسید: در گرماگرم آن روزها ترانه هایی بر آنتش انقلاب می دمید شما در برابر آن چه می کردید؟ و تورج نگهبان با ناراحتی گفت : من و بسیاری دیگر ترانه می گفتیم و کسی نمی شنید؛ و پس از سالها ترانه ای سرود برای برخوردارستن دوباره به همگان و بویژه آنان که زهار او و دیگر میهن پرستان را نشنیدند، و آن روزها را یادآور شد که من و تو در گذر تند باد حادثه ها ، هزار مرتبه اوج و حضيض دیده ایم ، میوش چشم امید از وطن ، که ما زین بیش به عمر خویش چه ضد و نقیض ها دیدم...:

نگفتمت تنها مرو شب در کمین نشسته
سیمای عمر آزاده را غم بر جبین نشسته
نگفتمت با من بیا تا سرزمین خورشید
که رنگ غم بر قامت این سرزمین نشسته
نگفتمت که ظلمت بر جاده ها نشسته
صد پیچ کاروان کش تا شهر ما نشسته
رفتی و به راه مانده ای در شب سیاه مانده ای
رفتی و به راه مانده ای در شب سیاه مانده ای

...
آماده شو ای همسفر که بر خطر بار دگر پا بنهیم
به یکدگر باردگر دست دل و یگانگیها بدهیم
کن رها بازوی دربند مرا پای دربند دماوند مرا
خیز و چیره شو بر خطر فکر چاره کن همسفر

...
همت کن و از عزم خود یاری طلب که پشت شب میشکند
که جلوه خورشید ما پلاس شب زخانه بیرون فکند
کن رها بازوی دربند مرا پای دربند دماوند مرا
خیز و چیره شو بر خطر فکر چاره کن همسفر (2)

غم آنچه که سرزمینش ایران می گذشت همه گاه در چهره اش بود. برنامه هایش در کانال تصویر ایران را به یاد می آورم که همیشه نشان فروهر و پل سفید اهواز در پشت سرش خود نمایی می کرد استاد دریغ و افسوس خود از ویرانی ایران و دوری از میهن خویش را اینچنین در ترانه "یاران" با صدای داریوش به گوش میلیون ها ایرانی رساند:

یاران زه چه رو رشته الفت بگسستند
عهدی که روا بود دگر باره نیستند
آن مردمکان از سر اندیشه ندیدند
که این بی خردان حرمت انسان بشکستند
ما را دگر از طعنه دشمن گله ای نیست
که آن عهد که بستیم رفیقان بشکستند

افسوس همه سلسله داران بگنودند
آن یکه سواران همه از پا بنشستند
ای قافله سالار کجانی که ببینی
دزدان همگی همره این قافله هستند
دردا در گنجینه بماران بگشودند
اندوه که بر دوست ره خانه بیستند
دردا در گنجینه بماران بگشودند
اندوه که بر دوست ره خانه بیستند

افسوس که کاشانه به دشمن بسپردند
آن قوم که بیگانه و بیگانه پرستند
افسوس که کاشانه به دشمن بسپردند
آن قوم که بیگانه و بیگانه پرستند

افسوس همه سلسله داران بگنودند
وان یکه سواران همه از پا بنشستند
ای قافله سالار کجانی که ببینی
دزدان همگی همره این قافله هستند
دردا در گنجینه به ماران بگشودند
اندوه که بر دوست ره خانه بیستند
دردا در گنجینه به ماران بگشودند
اندوه که بر دوست ره خانه بیستند (3)

در جای دیگر آنچه در درونش می گذشت را با صدای داریوش فریاد زد تا همیشه به یادآوریم بزرگ مردی که شعرش را به دشمن نفروخت...

افسانه عشق و جنون , رفته ز خاطر تاکنون
آن تک سوار قصه ها , با اسب خود شد واژگون

بس عهدها بشکسته شد , دیگر خدا هم خسته شد
در کارزار زندگی , بازوی مردان بسته شد

ای چرخ افسونت چه شد؟
الوند و سیحونت چه شد؟
بر تنب کوچک تا ارس،
کاوه فریدونت چه شد؟

صفرا طلایه دار کو؟
آن نقطه پرگار کو؟
در شهر آزادی، دري،
بر قامت دیوار کو؟

شهنامه خانی دیر شد ، سیمرخ در زنجیر شد
آرش، کماندار زمان ، آماج زخم تیر شد

فریادها بر باد شد ، فریاد زیر آب شد
ارابه سردار عشق ، افسانه ای در خواب شد (4)

بهترین و ماندگار ترین تصویری که تورج نگهبان برای همیشه در یاد من خواهد ماند هنگامه حضور چند ماه پیش او در برنامه میزگردی با شما صدای آمریکا بود. از ایران و عشق به ایران می گفت، چهره ای مهربان که از انسانیت موج می زد و پرچم شیرو خورشیدی که بر گوشه کت او نماد غرور بود و سربلندی.

به احترامش سر تعظیم فرود می آورم. روح شاد میهن پرست هزار ترانه ی دیار کارون.

1. ترانه : ایران ایران ، آلبوم : دلاویزترین ، خواننده : محمد نوری ، آهنگ : محمد سریر

2. ترانه : تند باد حادثه ها ، خواننده : داریوش ، آلبوم : گل بیتا

3. آهنگ : یاران ، آهنگ ساز : توحید عظیمی ، تنظیم : رامین زمانی ، آلبوم : گل بیتا، داریوش

4. ترانه : افسانه ها ، آهنگ و تنظیم: کاوه حقیقی ، خواننده : داریوش ، آلبوم : دوباره می سازمت وطن

به امید ایرانی آباد و آزاد در سایه حاکمیت ملی

پاینده ایران

نوشته شده در چهارشنبه ششم شهریور 1387 به دست مزدک